



عنوان: بررسی تأثیر سبک دلستگی بر تنظیم هیجان با مبانجی گری سبک هویت در نوجوانان

فرح دخت چینی^۱، رامین تبرایی^{۲*}، حسن میرزا حسینی^۳

اطلاعات مربوط به مقاله

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تأثیر سبک دلستگی بر تنظیم هیجان با نقش مبانجی سبک هویت انجام شد. روش پژوهش توصیفی واژ نوع تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر کاشان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند، که ۵۰۰ نفر به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده ها براساس سه پرسشنامه سیاهه تنظیم هیجانی (Gross & Jan Col I ns and Rei d ۲۰۰۳)، مقیاس سبک هویت (G-I SI ۶) و پرسشنامه سبک دلستگی (1990)، جمع آوری شد. داده ها به روش مدل یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار لیزرل ۸,۸ و SPSS ۲۶ تجزیه و تحلیل گردید. براساس نتایج سبک دلستگی اینم در سطح معنی داری ۰/۰۱ سبک دلستگی اجتنابی در سطح معنی داری ۰/۰۵، سبک دلستگی دوسوگرا در سطح معنی داری ۰/۰۱، به صورت مستقیم تنظیم هیجان را پیش بینی کردند. از بین سه دلستگی، سبک دلستگی اینم در سطح معنی داری ۰/۰۱، با مبانجی گری سبک های هویت تنظیم هیجان را پیش بینی کرد. سبک هویتی اطلاعاتی در سطح معنی داری ۰/۰۱، سبک هویتی سردگم در سطح معنی داری ۰/۰۵، به صورت مستقیم تنظیم هیجان را پیش بینی کردند. از بین سه دلستگی، فقط سبک دلستگی اینم در سطح معنی داری ۰/۰۱، نقش معنی داری در کلید واژگان سبک تربیتی و عامل مهمی در تعیین سلامت روانی داشتن عملکرد موفق در تحقیقی است که عوامل مؤثر بر تنظیم هیجان و پیش‌بیندهای آن شناسایی باید شود. برنامه‌ریزی جهت آموزش و پرگزاری کارگاههای آموزشی در این زمینه در مدارس برای دانش هیجان، نوجوانان آموزان پیشنهاد می شود.

۱-دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۲-نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۳-استادیار روان شناسی سلامت، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

مقدمه

نوجوانی به عنوان یک فرایند گذار از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می شود . مرحله ای از زندگی است که در آن تغییرات عمدی در یک دوره زمانی کوتاه اتفاق می افتد (Betegon et al, ۲۰۲۲). نوجوانی دوره ای بین کودکی و بزرگسالی است که بین سالین ۱۰ تا ۱۹ سالگی است (Chang, Tsai, ۲۰۲۲) (روانشناسان این دوره را به عنوان مرحله ای حساس در زمینه رشد شناختی و بلوغ اجتماعی در نظر می گیرند). تغییرات هیجانی در این دوره امکان آسیب پذیری نوجوانان را افزایش می دهد. چرا که این تغییرات موقعیت هایی را پیش روی نوجوانان قرار می دهد که می تواند منجر به تجارت منفی و بی ثباتی هیجانی شود (ماسترودوس، ۲۰۱۹، به نقل از فارسی جانی و همکاران، ۱۴۰۱). جوامع روانشناسی و آموزشی درک واضحی دارند که پرورش توانایی مدیریت هیجان دانش آموزان یکی از مسائل مهم مرتبط با سازگاری، بقا و رشد آنان در جامعه است. توانایی مدیریت هیجانی نوعی ویژگی روانشنختی است که توانایی تشخیص، نظارت و هدایت احساسات خود و همچنین توانایی تشخیص و پاسخ مناسب به موقعیت های اطراف است (Zhang et al, Yang et al, 2022). این توانایی یک پاسخ منعطف یا پاسخ تاخیری بر اساس یک موقعیت خاص که از نظر اجتماعی قابل قبول است یا توسط فرد در مواجهه با طیفی از تحولات عاطفی قابل تحمل است (Weed, 2014, Polizzi & Lynn, 2021, Bolton, ۲۰۰۴).^(۴) به نقل از Lei, ۲۰۲۲.)

بنابراین وجود توانایی فرد در کنترل هیجاناتش یکی از مهمترین قابلیت هاست که باید آموخته شود. توانایی مدیریت هیجانات یک جنبه ضروری از زندگی روزمره است و می تواند سلامت روانی نوجوانان را ارتقا دهد یا به آن آسیب برساند و نقش مهمی در فرآیندهای شناختی مختلف ایفا کند. بنابراین، ظرفیت تنظیم یا تعدیل حالات هیجانی کلید حفظ سلامت روان است. تنظیم هیجان به عنوان استفاده از مکانیسم ها، مهارت ها و استراتژی ها با هدف حفظ، افزایش یا سرکوب یک حالت هیجانی موجود تعریف می شود (Betegon, ۲۰۲۲ et al). تحقیق در مورد مدیریت هیجان یکی از کانون های تحقیقاتی روانشناسان در داخل و خارج از کشور بوده است . مدیریت هیجان به بررسی عوامل تأثیرگذار بین هیجان و رفتار می پردازد، زیرا هسته اصلی اینمی آن مهم ترین عامل تعیین کننده سلامت روان است (Yang et al, ۲۰۲۲).

از نظر رشد هیجانی، «تنظیم هیجانات^۱» باعث می شود که فرد در موقع حساس به خوبی بتواند هیجانات خود را کنترل کند و سازگار با موقعیت، واکنش نشان دهد. «تنظیم هیجان» به عنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایند های اجتماعی – روانی، فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می شود. در واقع تنظیم هیجانی، شامل فرایند های نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون، ۱۹۹۴^۲). هیجانات می توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در

¹. Emotional Regulation

². Thompson

افراد شوند. اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشد باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می‌شود. بنابر این زمانی که هیجانات شدید می‌شوندیا طولانی می‌شوند و یا با شرایط سازگار نیستند آن زمان نیاز به تنظیم کردن آنها لازم است (گروس، ۱۹۹۸).

نقص و نارسایی در مکانیسم‌های تنظیم هیجانها و شناختهای پردازشی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و فردا با مشکلات جدی سلامت و اختلال‌های روانشناختی مواجه می‌سازند. تنظیم هیجان بر عاطفه و فتار نوجوانان تأثیرزیادی دارد و در تحول مهارت‌های تنظیم هیجانی و «دلبستگی^۱» نقش مهمی دارد. سبک‌های دلبستگی نقش کلیدی در تنظیم هیجانات دارند (Wilkinson et al, 2006) به نقل از Hajiyari et al, 2006.

تنظیم هیجان و سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیرهای روانشناصی مثبت گرای ارتباط بالایی با سلامت روانی افراد دارد (فارسی جانی و همکاران، ۱۴۰۱). سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان می‌باشد. پژوهش‌های پیشین از رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان حمایت می‌کنند (Kafetsios & Sideridis, 2006؛ مک ویلیامز و بایلی، ۲۰۱۰؛ Gilliom, Shaw, Beck, & Schonberg, ۲۰۱۲؛ شانبرگ و لاکن، ۲۰۰۴؛ لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاسکازو سایر و موس، ۲۰۱۳^۵؛ پیرسون؛ کون رولس و اشمیکل، ۲۰۱۲؛ سیگلمون و رایدر، ۲۰۰۹؛ شیور و میکالینسر، ۲۰۰۷؛ نقل از محمدی، ۱۳۹۷؛ بالبی، ۱۹۷۳؛ کسیدی، ۱۹۹۴^۶؛ کیم، ۲۰۱۴؛ میکالینسر و شیور، ۲۰۰۵؛ دی هوچ، ۲۰۱۷؛ واترز، ۲۰۱۰؛ وهمکاران، ۲۰۱۰؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۶).

دلبستگی توسط هالیس و میلر (۲۰۰۵) به عنوان ارتباط عاطفی عمیق و ارتباط اثربخش تعریف شده است (Momeni et al, 2022). دلبستگی برای رشد روانی و عادی، تحول شخصیت بهنجار و روابط هیجانی سالم ضروری است و اساس سلامت هیجانی، روابط اجتماعی و نگرش بهنجار فرد به دنیا تلقی می‌شود. دلبستگی پیوند عاطفی پایداری است که ویژگی آن جوارجویی^{۱۰} با شخصی خاص در زمانی ویژه است (بالبی، ۱۹۶۹). این چارچوب، تعاملات مکرر با مراقبین اولیه به باورهای قواعد، انتظارات، طرز فکر و رفتار شکل می‌دهند. بدون تردید نظریه دلبستگی یکی از بر جسته‌ترین و مهمترین دستاوردهای روانشناصی معاصر است که به یکی از تأثیرگذارترین چارچوب‌ها در علوم اجتماعی و رفتاری تبدیل شده است. این نظریه که توسط بالبی برای توضیح پیوند عاطفی کودک با مراقبین ایجاد شد، به سرعت دامنه خود را گسترش داد (Thompson et al, 2022). هازن و شیور (۱۹۸۷) با بازنگری مطالعات دلبستگی کودک به منظور تعریف فرایند دلبستگی بزرگسالان، سه سبک دلبستگی «ایمن»، «اجتنابی» و «دوسوگرا» را مشخص کردند. افراد دلبسته ایمن الگوی مثبتی از خود و دیگران دارند و برای بازنمایی‌های منفی از خود و دیگران ارزش قائل هستند (Vismara et al, 2022).

¹. Attachment

². Kafetsios & Sideridis

³. McWilliams & Bailey& Crayton

⁴. Gilliom, Shaw, Beck, & Schonberg

⁵. Pascuzzo, Cyr, & Moss

⁶. Cassidy

⁷. Kim

⁸. Moradi Siah Afshari, Amiri, & molavi & D'Hooghe

⁹. Waters

¹⁰. Proximity seeking

افراد با سبک دلستگی ایمن نسبت به افراد نایمن هیجان‌هایشان را بهتر تنظیم می‌کنند و از راهبردهای مقابله‌ای سازنده تری استفاده می‌کنند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴؛ لینلی و ژوزف^۱، ۲۰۰۴، کسیدی و برلین، ۱۹۹۶ به نقل از داودی و همکاران، ۱۳۹۶). دلستگی ایمن با بسیاری از پیامدهای مثبت روانشناختی برای کودکان مرتبط است که شامل روابط قوی با همسالان، درک هیجانی بالا و تنظیم هیجان بهتر می‌شود که تاییدی بر این دیدگاه است که بین تنظیم هیجان و دلستگی ایمن رابطه وجود دارد (واترز و همکاران، ۲۰۱۰؛ تامپسون، ۲۰۰۸؛ سیمپسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ موریس و همکاران^۲، ۲۰۰۰؛ بار-اون و پارکر، ۲۰۰۰ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۷). کاسیدی (۱۹۹۵)^۳ در یک پژوهش مروری خود با عنوان تأثیر روابط دلستگی بر تنظیم هیجان نشان داد که افرادی که ویژگیهایی مانند توانایی انعطاف پذیر برای پذیرش و یکپارچه کردن هیجانهای مثبت و منفی را دارند به طور کلی دلسته ایمن هستند و افرادی که به وسیله تأثیرات منفی زیاد یا کم مشخص می‌شوند به احتمال بسیار دلسته نایمن هستند.

افراد ایساک اجتنابی در مورد صمیمت و تعهد نگرانند. آنها تمایلی به مشارکت در روابط نزدیک‌نگارند و ترجیح می‌دهند به دیگران واپسنه نشوند و نیاز به دلستگی را تحت فشار استقلال و کنترل انکار می‌کنند (Morris et al, 2007). اشخاص دارای سبکهای دلستگی اجتنابی و دوسوگرا از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی سود می‌جوینند که بر هیجانهای منفی تأکید دارند یا تجربه‌های هیجانی را سرکوب می‌کنند (اجتنابی) یا آنکه باعث می‌شوند موقعیتها، استرس‌زاتر تجربه شوند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴). پژوهش‌های شان داده‌اند که احساسات ناامنی در روابط دلستگی، نقش و نارسایی در شناسایی و ابراز هیجان‌های ایشان بینی می‌کند (سجادپور، ۱۳۹۸، شوشتری و همکاران، ۱۴۰۱).

به طور خاص، سبک‌های دلستگی نایمن، مشکلات سلامت روان را به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق علائم اضطراب پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها اهمیت دلستگی در فرآیندهای تجربه‌های سازگاری افراد را در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زاتر تقویت می‌کنند (Vismaraet al, 2022). همانگونه که بیان شد، شواهد پژوهشی ارائه شده ارتباط بین متغیر تنظیم هیجان و سبک دلستگی تایید شده است. اما نوع، کیفیت و شدت آن قابل بررسی می‌باشد و ممکن است این ارتباط تحت تأثیر متغیرهای دیگر قرار گیرد. یکی از متغیرهای مهمی که به نظرمی‌رسد می‌تواند این ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد «سبک هویت»^۴ است.

«هویت» عبارت است از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. احساس خود، اساس شخصیت بزرگسالی ماراتشکیل می‌دهد؛ اگر پایه و اساس ثابت و قوی باشد، یک هویت فردی محکمی به دست می‌آید. اگر چنین نباشد، نتیجه آن چیزی است که اریکسون آن را گمگشتنی هویت می‌نامد (Shaver & Mikulincer, 2021). در نظریه اریکسون شکل‌گیری هویت به عنوان یک بحران تحولی معرفی شده است. کلمه "بحran" بیانگر تحولی هیجانی است که توسط نیاز به رشد خودپنداره منسجم برانگیخته می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هیجان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تداوم هویت دارد و به رفتارفرد سازمان می‌دهد.

¹. Lineley& Joseph

²-Simpson

³.Morris et al

⁴. Cassidy

⁵. Identity styles

پردازش هیجانی نیز در اسنادها و ارزیابی‌های شناختی- اجتماعی نقش بسزایی دارد و همسو با شکل گیری هویت صورت می‌پذیرد (استرایبر ۲۰۰۲؛ و لیوراس و بوسمای^۱ ۲۰۰۵). بروزننسکی و فراری (۱۹۹۶) معتقدند افراد بر اساس فرایندهای شناختی و اجتماعی، چهار سبک هویتی متفاوت یعنی «سبک هویت اطلاعاتی^۲»، «سبک هنجاری^۳» و «سبک سردرگم/ اجتنابی^۴»، را شکل می‌دهند. بروزننسکی (۱۹۸۹) در زمینه ارتباط بین «سبک‌های هویت» و «هیجان»، تبیینی نظری را ارائه نموده است. به عقیده اوی افراد دارای «سبک اطلاعاتی»، اطلاعات جدید را جذب می‌نمایند و هویت خود را بر اساس اطلاعات جدید، تغییر می‌دهند. بدین ترتیب، ادراک درستی از واقعیت خواهند داشت و سازگاری آنان افزایش می‌یابد. افراد دارای جهت‌گیری اطلاعاتی، با وارسی واقعیت به تأثیر هیجان بر رفتار خود دیدگرانی می‌برند. افراد دارای «سبک هنجاری»، بدون وارسی گزینه‌های موجود نسبت به هدف متعهد می‌گردند و بنابراین به طور عمده از جذب استفاده می‌کنند. این افراد از هیجانهای خود جهت‌گذاری به هویت استفاده نمی‌کنند و در مقابل به تنظیم یا کنترل دفاعی هیجانهای خود می‌پردازند. افراد اجتنابی- سردرگم نیز فاقد هویت منسجم و پایدار می‌باشند و در پاسخ به نیازهای محیطی، بدون درنظر گرفتن پیامدهای رفتار به طور عمده از فرآیند انطباق استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، این افراد قادر نیستند هیجانهای خود را به طور موثر مدیریت نمایند یا از تأثیر رفتار خود بر پاسخهای عاطفی دیگران آگاه نیستند (سیتون و بیمانت، ۲۰۱۱).

بنابراین، تنظیم هیجان فرآیندی است که در جریان شکل گیری هویت منسجم نقشی بسزا دارد و از طریق آن، افراد جهت دستیابی به پیامدهای مطلوب، هیجانهای خود را مدیریت می‌کنند (آلدانو و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، عدم شکل گیری هویت پایدار (بروزننسکی، ۲۰۰۸) از یک سو و عدم تنظیم هیجان، از سوی دیگر، دربروآمدگیری دارد. نتایج پژوهشها نشان می‌دهد افراد با سبک اطلاعاتی در رویارویی با رویدادهای تنبیه‌گی زای روزمره بیشتر از مقابله مسئله مدار و راهبردهای پذیرش، ارزیابی مجدد مثبت و برنامه ریزی بهره می‌گیرند و هیجانات مثبت بیشتری را تجربه خواهند کرد و بهتر هیجانات خویش را تنظیم می‌کنند (بیمانت و سیتون، ۲۰۱۱؛ کسیدی، ۲۰۰۴؛ بوش و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ بروزننسکی، ۲۰۰۸).

در مقابل، افراد با سبک سردرگم- اجتنابی در رویارویی با تنبیه‌گی، بیشتر از راهبردهای هیجانی ناسازگارانه استفاده می‌کنند. افراد با سبک هویت هنجاری در ارتباط با دیگران همنوایی بیشتری نشان می‌دهند و در شرایط مهم تصمیم‌گیری از رهنمودهای دیگران استفاده می‌کنند (بروزننسکی، ۲۰۰۳؛ بوش و همکاران، ۲۰۱۲؛ بیمانت و سیتون، ۲۰۱۱؛ بروزننسکی و فراری، ۱۹۹۶). نتایج پژوهش‌های کولمن و ویلیامز (۲۰۱۳)، جانکووسکی (۲۰۱۳) همبستگی منفی سبک هویت تعهد، سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری با بد تنظیمی هیجان و همبستگی مثبت سبک هویت سردرگم با بد تنظیمی را نشان داد. بنابراین می‌توان گفت، نوجوانان با

¹. Strayer, Vleijoras & Bosma

² . informational style

³ . normative style

⁴ . diffuse/avoidant style

⁵ . Bosch et al

سبکهای هویت تعهد، هنجاری و اطلاعاتی از سلامت روان شناختی بیشتری برخوردارند و از نظر تحصیلی هم عملکرد خوبی دارند) Shabanishad et al, 2019 (سجادپور، ۱۳۹۸؛ اسدی مجره و همکاران، ۱۳۹۶؛ پور محسنی، ۱۳۹۳).

هر چند به نظر می‌رسد سبکهای هویتی و راهبردهای تنظیم هیجان با تجربه هیجانهای منفی همچون افسردگی، اضطراب و تنیدگی در ارتباطند، ولی اینکه هر یک چه نقشی را در تجربه هیجانهای منفی بازی می‌کنند، نامشخص می‌باشد. شاید هر یک نقش خود را به طور مستقل بازی می‌کند و یا نقش آنها پیچیده و معامل می‌باشد. ممکن است سبک هویتی سردرگم-اجتنابی موجب کاربرد هر چه بیشتر راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان شود و به دنبال آن، فرد هیجانهای منفی بیشتری را تجربه نماید و یا سبک هویت اطلاعاتی با تأثیر بر راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجانی، بروز هیجانهای منفی را در فرد کاهش دهد.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم اثرگذار در کسب هویت، سبک دلبستگی فرد باشد. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان تأثیر سبک‌های دلبستگی را دید، سبک‌های هویتی است. دلبستگی و هویت اثرات مهمی در زمینه آسیب‌شناسی روانی داشته‌اند (رشنده ابرقویی و همکاران، ۱۴۰۰). گلاسر (۲۰۰۸) معتقد است افرادی که دارای هویت اشتباه هستند وضعیت‌هایی مانند ضعف، عدم مسئولیت و عدم اعتماد به نفس را نشان می‌دهند (گوهری دانایپور و نیری، ۱۴۰۱) (رشد نامناسب هویت موجب عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های مهم، مشکلات رفتاری، شکستهای پیاپی تحصیلی و همچنین عدم توانایی در برقراری ارتباط صحیح با دیگران می‌شود. اریکسون (۱۹۶۵)^۱ معتقد بود افرادی که به هویتی قوی دست می‌یابند، برای رویارویی با مسایل بزرگ‌سالی آماده می‌شوندو افرادی که نمی‌توانند به چنین هویتی دست یابند، بحران هویت را تجربه می‌کنند. چنین افرادی نمی‌دانند به کجا تعلق دارند یا و می‌خواهند به کجا بروند در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار زندگی تحصیل، شغل و ازدواج کناره گیری کنند (اسزاپو و وارد^۲، ۲۰۲۰، به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۴۰۰) . ریچ و زیگل (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که رشد هویت خود در سطح بالا با دلبستگی ایمن ارتباط دارد. اشخاص دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به اشخاص دارای سبک دلبستگی نایمن به احتمال کمتری سبک اسنادی افسرده ساز دارند و به احتمال بیشتر هویت موفق دارند.

فرض بر این است که سبک‌های دلبستگی ناکارآمد باعث بوجود آمدن سبک‌های هویت ناکارآمد در افراد می‌شود (بدر، آستلی^۳، ۲۰۱۱، نقل از ناطقیان و همکاران، ۱۴۰۰). از نظر آرمสدن و گرینبرگ^۴ (۱۹۸۷) کیفیت دلبستگی به والدین با سلامت روانی نوچوان و شکل گیری هویت، کنار آمدن با بحرانهای مختلف و رضایت از زندگی ارتباط معنادار دارد (جدبابایی، ۱۴۰۱). در تحقیقات متعدد رابطه میان دو سازه هویت و دلبستگی مورد مطالعه قرار گرفته اند که نتایج آنها نشان می‌دهد؛ میان دلبستگی ایمن و سبک‌های هویت، رابطه مثبت و

¹. Ericsson

². Szabó & Ward

³. Badar & Acitell

⁴. Armsden & Greenberg

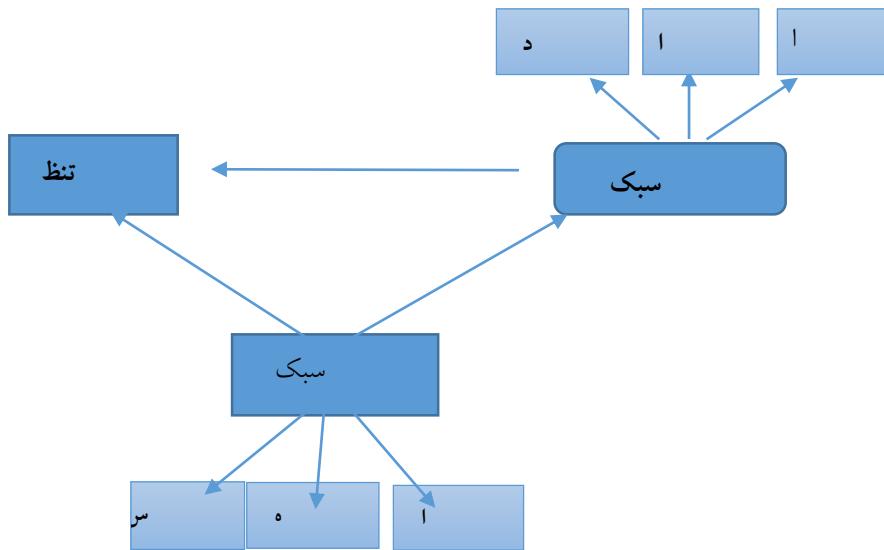
میان دلستگی ایمن و هویت سردرگم، رابطه منفی وجوددارد (گوهری دانابورونیری، ۱۴۰۱؛ سالاری و فولادی، ۱۳۹۳؛ Avila, 2003; Arseth et al, 2009; Shaver & Mikulincer, 2021؛ etal, 2011).

بین سبک هویت اطلاعاتی با سبک دلستگی ایمن رابطه مثبت، با سبک دلستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی، بین سبک هویت هنگاری، سردرگم و تعهد با سبک دلستگی ایمن، بین سبک دلستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مستقیم مثبت و معناداری است (برزونسکی، ۱۴۰۸؛ جدبایی، ۱۴۰۱؛ رخشندۀ ابرقوی و همکاران، ۱۴۰۰؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سالاری و فولادی، ۱۳۹۳؛ امانی و مجذوبی، ۱۳۹۰). همچنین رابطه ای معنی دار میان جنس و سبک هویت وجوددارد؛ اما رابطه ای معنی دار میان جنس و سبک دلستگی وجود ندارد (امانی و مجذوبی، ۱۳۹۰). در طول سالیان گذشته همواره محققان به دنبال بررسی متغیرهای واسطه ای بین دلستگی و تنظیم هیجان بوده اند (Yang etal, 2022).

در باره نقش واسطه ای سبک های هویت در رابطه بین سبکهای دلستگی و تنظیم هیجان مطالعات نشان داد که دلستگی ایمن، به واسطه سبک هویت اطلاعاتی، دارای اثری غیرمستقیم بر تنظیم هیجان و به واسطه سبک هویت هنگاری، دارای اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت تنظیم هیجان دارد. دلستگی اضطرابی، به واسطه سبکهای هویت اطلاعاتی و هویت هنگاری، اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و به واسطه سبک هویت اطلاعاتی اثری غیرمستقیم بر راهبردهای منفی تنظیم هیجان دارد. همچنین دلستگی اجتنابی، به واسطه سبک هویت سردرگم، دارای اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت و منفی تنظیم هیجان است (محمدی و فولادچنگ، ۱۳۹۷؛ باقری و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های محدودی درباره نقش واسطه ای سبک هویت در رابطه بین تنظیم هیجان و سبک دلستگی انجام شده‌ها به طور جداگانه به رابطه سبکهای دلستگی با هویت و یا تنظیم هیجان پرداخته اند اما چگونگی تأثیر سبکهای دلستگی بر تنظیم هیجان مشخص نیست. بنابراین از آن جایی که از یک طرف دوران نوجوانی با تغییرات جسمی و روانی - اجتماعی زیادی همراه است که برانگیختگی هیجانات را به دنبال دارد و از طرف دیگر بسیاری از توانایی‌های شناختی که در کنترل هیجانات نقش دارند در این دوره به رشد کامل میرسند (Zhang et al, 2022). این پژوهش به دنبال بررسی فرآیند تأثیر سبک دلستگی بر تنظیم هیجان با میانجی گری سبک هویت است. این مسئله که آیا سبکهای دلستگی از طریق تأثیرگذاری برآنحوه پردازش هویت بر تنظیم هیجان تأثیرمی‌گذارد، نیازمند بررسی است. طرح واسطه گری سبک های هویت در رابطه بین سبکهای دلستگی و تنظیم هیجان در این پژوهش با توجه به مضماین دو نظریه بالی و بروزونسکی انجام شده است. از طرف دیگر مدارس به عنوان تنها نهاد رسمی آموزش نوجوانان در کشور رسالت مهمی جهت پیشگیری از آسیب های روانی دانش آموزان دارد. بنابراین ضرورت پژوهش در این زمینه و پژوهش در مورد هر شرایطی که بتواند عملکرد دانش آموزان را در محیط مدرسه و خارج از مدرسه بهبود بخشد، وسلامت روانی آنان را تضمین کند، هم از لحاظ نظری و هم عملی، حائز اهمیت است. شایان ذکر است، ذکر است پژوهش در این زمینه می‌تواند به لحاظ نظری و کاربردی افق‌های نوینی پیش روی برنامه‌ریزان وزارت آموزش و پرورش به عنوان تنها متولی تربیت دانش آموزان در کشور بگشاید. در این پژوهش متغیر سبک دلستگی به عنوان متغیر بروزنا یا جریاندهنده و تنظیم هیجان به عنوان متغیر درونزا یا جریان گیرنده و متغیر سبک هویت به عنوان متغیر میانجی آزمون شده‌اند. بنابراین، هدف این پژوهش

دستیابی به پاسخی برای این سؤال است که: آیا مدل ساختاری نقش میانجی سبک هویت در رابطه سبک دلستگی و تنظیم هیجان از برازش مناسب برخوردار است؟



مدل نظری پژوهش

باتوجه به چارچوب مفهومی نظریه دلستگی و بازبینی پیشینه تحقیقاتی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

- سبک‌های دلستگی با تنظیم هیجان رابطه مستقیم دارند

- سبک‌های دلستگی با سبک هویت رابطه مستقیم دارند

سبک‌های هویت با تنظیم هیجان رابطه مستقیم دارند

- سبک‌های دلستگی با میانجی گری سبک‌های هویت با تنظیم هیجان رابطه دارند

روش پژوهش

با توجه به دسته بندی پژوهش‌ها بر حسب هدف و نحوه گردآوری داده‌ها (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷)، روش پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی - کاربردی است زیرا نه با هدف صرف کاربرد مستقیم یافته‌ها، بلکه با هدف افزودن به دانش موجود در زمینه هویت و تنظیم هیجان و سبک دلستگی به عنوان سه متغیر روانشناختی/اجتماعی مهم انجام شد و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها میدانی، از نوع توصیفی - همبستگی با روش مدل معادلات ساختاری (SEM) انجام شد. چرا که سعی در تبیین روابط موجود بین متغیرهای مورد بررسی را دارد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهرکاشان که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند، که بر اساس گزارش مدیریت آموزش و پرورش کاشان حدود ۱۰۰ نفر بودند. (۱۹۲۲)

از پرسشنامه های تنظیم هیجان گراس وجان، سبک دلبستگی کولینز ورید و سبک هویت بروزنسکی جهت جمع آوری داده ها استفاده شد. به نقل از Comery et al (2006)، Myers, Gamst & Garino (2012) از کفایت نمونه گیری برای انجام تحلیلی عاملی یک ارزیابی کلی داشته و حجم نمونه ۵۰ نفر را بسیار کم، ۱۰۰ نفر را کم، ۲۰۰ نفر را مناسب، ۳۰۰ نفر را خوب، ۵۰۰ نفر را خیلی خوب، ۱۰۰۰ نفر را عالی دانسته اند. با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده در پژوهش حاضر تعداد ۵۵۰ نفر حجم نمونه در نظر گرفته شد. اما با توجه به احتمال ریزش نمونه و یا احتمال داده های مفقود یا مخدوش حجم نمونه انتخاب گردید. که پس از جمع آوری داده ها ۵۰ پرسشنامه تحلیل گردید. از روش تصادفی خوش ای جهت نمونه گیری از دانش آموزان استفاده شد به این صورت که ابتدا خوش ها براساس مناطق چografیایی شهر انتخاب و سپس به صورت تصادفی از شمال: ۳ مدرسه مرکز: ۴ مدرسه، از شرق و غرب ۴ مدرسه به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب شدند.

سیاهه تنظیم هیجانی گراس و جان (۲۰۰۳)

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری استراتژی‌های تنظیم‌هیجان سرکوبی و ارزیابی مجدد شناختی، از پرسشنامه سیاهه‌ی تنظیم‌هیجانی گراس و جان (۲۰۰۳) استفاده شد. در پژوهش گراس و جان همبستگی درونی برای ارزیابی مجدد ۷۹٪ و سرکوبی ۷۳٪ نیز دست آمده است. کاریمن و وینگرهوتس همبستگی درونی را برای ارزیابی مجدد ۸۳٪ و برای سرکوبی ۷۹٪ گزارش کردند. در ایران حسینی میزان آلفای کرونباخ ۷۹٪ برای ارزیابی مجدد گزارش کرده است و در پژوهش بیگدلی و همکاران (۱۳۹۲) مقدار آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۸۳٪ نیز دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۷۸٪ بدست آمد.

ISI-6G مقياس سک هویت

پرسشنامه سبکهای هویت بروزنسکی (ISI-6G) در این پژوهش از پرسشنامه سبک های هویت بروزنسکی استفاده شد که غضنفری (۱۳۸۲) به فارسی ترجمه کرد و در نمونه دانشجویی اعتباریابی شده است. پرسشنامه سبک های هویت را بروزنسکی (۱۹۸۹) برای ارزیابی سبکهای هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم- اجتنابی تدوین کرد. در این ابزار، تعهد هویت نیز جداگانه اندازه گیری می شود. این پرسشنامه، شامل ۴۰ پرسش با پاسخهایی در طیف لیکرت ۵ درجه ای است که به صورت گزینه های کاملاً مخالف، تا حدودی مخالف، نظری ندارم، تا حدودی موافق و کاملاً موافق رتبه بندی شده است و به ترتیب، نمره های یک، دو، سه، چهار، پنج به هر کدام اختصاص می یابد. ۱۱ پرسش این پرسشنامه مربوط به سبک اطلاعاتی (پرسشهای ۳۷، ۳۵، ۳۳، ۳۰، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۹، ۲)، پرسش مربوط به سبک هنجاری (پرسشهای ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۱۹، ۱۰، ۴)، پرسش مربوط به سبک هنری (پرسشهای ۳۶، ۳۱، ۲۹، ۲۷، ۱۷، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳)، ۱۰ پرسش به میزان تعهد (۱۱، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵) و ۱۰ پرسش اجتنابی (پرسشهای ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۱، ۲۹، ۲۷، ۱۷، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳)، کنده بسیار، های ۱۴، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ به صورت معکوس، نمای گذاری، مر، شمد.

نمونه‌ای از گویه‌ها برای هر یک از ابعاد این مقیاس به این شرح است: سبک اطلاعاتی: «وقتی که مجبورم تصمیم بگیرم، زمان زیادی را صرف فکر کردن درباره انتخاب‌ها نمی‌کنم». سبک هنجاری: «وقتی مشکلی دارم، بهترین کار آن است که نصایح دوستان و خانواده را برای حل آن مشکل پذیرم»، سبک سردرگم - اجتنابی: «اگر درباره مشکلاتم نگران نباشم، معمولاً خودشان درست می‌شوند» و تعهد هویت: «مجموعه‌ای از اعتقادات محکم دارم که هنگام تصمیم‌گیری از آنها استفاده می‌کنم». اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ، به ترتیب برای سبکهای اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی در مطالعه برونسکی ۱۹۹۲^۱، به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲^۲، (۰/۶۴، ۰/۷۳ و ۰/۶۶)، و در مطالعه وايت و همکاران (۱۹۹۸)، به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲^۳، (۰/۵۹، ۰/۶۴، ۰/۷۷)، گزارش شده است. پژوهش‌ها (غضنفری، ۱۳۸۲، آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۳)، اعتبار (با روش ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی) و روایی (با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تعیین همبستگی مقیاس با سایر مقیاس‌های هویت) مطلوب نسخه فارسی این ابزار در ایران را گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، ضرایب اعتبار به روش آلفای کرونباخ برای سبکهای اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی، به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۳ و ۰/۸۲^۴ محاسبه شد که نشان دهنده پایایی معنادار این پرسشنامه است.

پرسشنامه سبک دلبستگی کولینر و رید (۱۹۹۰):

این پرسشنامه شامل خود و ارزیابی از مهارت‌های ایجاد بط و خود و توصیفی شیوه شکلدهی به دلبستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط عالمت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (که از ۱ = اصلًا ویژگی من نیست تا ۵ = کاملاً ویژگی من است) سنجیده

می‌شود. تحلیل عوامل ۳ خردۀ مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. کوولینزو رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بررسی‌الهاین و شیور در مورد سه سبک اصولی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب^۱ با دلبستگی نایمن دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن^۲ یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر، ۱۹۹۲) بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی^۳ را میتوان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد (حمیدی، ۱۳۸۲).

سبک دلبستگی ایمن با سوالات ۱، ۵، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷ و سبک دلبستگی اجتنابی با سوالات ۲، ۵، ۷، ۱۶، ۱۴، ۱۸ و سبک دلبستگی دوسوگرا با سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و سبک دلبستگی اجتنابی با سوالات ۱۳، ۸، ۱۷ و ۱۸ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند.

روایی و پایایی پرسشنامه سبک دلبستگی:

^۱. Anxiety (A)

^۲. Close (C)

^۳. Dependence (D)

کولینر و رید(۱۹۹۰) انسان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده بالا است. در ایران نیز میزان پایایی با استفاده از روش آزمون و آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها RAAS C,D,A در معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۹۵٪ قابل اعتماد است، اما با توجه به همبستگی بین نتایج دو اجرا، زیر مقیاس A قابل اعتمادترین ($r=0/75$) است و در درجه بعدی زیرمقیاس C قابل اعتماد است ($r=0/75$) و D ($r=0/75$) کمترین میزان پایایی را در بین این سه زیر مقیاس دارا بوده است ($r=0/47$). از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیر مقیاس اضطراب (A) بیشترین پایایی ($0/74$) و وابستگی (D) کمترین پایایی ($0/28$) را دارد و پایایی زیرمقیاس نزدیک بودن در حد متوسط ($0/52$) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است (حمیدی، ۱۳۸۲). به منظور بررسی پایایی پرسشنامه سبک‌های دلبرستگی در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاسها محاسبه شد. نتایج حاکی از ضریب آلفای ($0/89$) برای سبک دلبرستگی ایمن ($0/81$) سبک دلبرستگی اجتنابی ($0/78$) برای سبک دلبرستگی دوسوگرا بود.

یافته‌ها

براساس یافته‌های پژوهش میانگین و انحراف معیار متغیر سن به ترتیب $17/02$ و $0/81$ بود. براساس آماره‌های کجی و کشیدگی توزیع این متغیر نرمال می‌باشد. ۱۹۵ نفر از شرکت کنندگان در پژوهش (۳۹درصد) پسر 285 نفر ($57/2$) درصد دختر بودند. $30/2$ درصد در پایه دهم، $35/4$ در صد در پایه یازدهم و $23/4$ در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. براساس آماره‌های کجی و کشیدگی توزیع این متغیرها نرمال می‌باشد(ضمائمه).

درجول ۲، شاخص‌های گزارش شده در تحلیل معادلات ساختاری، نشان دهنده برازش مطلوب داده‌ها با مدل است. پس در نتیجه داده‌های تجربی جمع آوری شده توسط محقق مدل نظری تدوین شده براساس ادبیات پژوهشی را تأیید کرده و نشان می‌دهد که مدل علی تدوین شده برای تبیین تنظیم هیجان دانش آموزان شهر کاشان براساس سبک‌های دلبرستگی با میانجی گری سبک‌های هویت یک مدل مطلوب است. میزان واریانس تبیین شده تنظیم هیجان به وسیله ترکیب خطی متغیرهای برونا و میانجی به ترتیب با $30/0$ می‌باشد که نشان می‌دهد ترکیب خطی سبک‌های دلبرستگی و سبک‌های هویت به ترتیب 30 درصد از تغییرات تنظیم هیجان تبیین می‌کنند. ترکیب خطی سبک‌های دلبرستگی به ترتیب $2/9$ ، $2/7$ ، $3/1$ درصد از تغییرات سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم را تبیین کردنند(ضمائمه).

براساس نتایج جدول ۳- سبک دلبرستگی ایمن با ($0/01 < p \leq 0/27$)، سبک دلبرستگی اجتنابی با ($0/05 < p \leq 0/14$)، سبک دلبرستگی دوسوگرا با ($0/01 < p \leq 0/16$) به صورت مستقیم تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کردد. از بین سه دلبرستگی، سبک دلبرستگی ایمن با ($0/01 < p \leq 0/03$) با میانجی گری سبک‌های هویت تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کرد. سبک هویتی اطلاعاتی

با $\beta = 0.12$, $p < 0.05$, سبک هویتی سردگم با $\beta = -0.17$, $p < 0.01$ به صورت مستقیم تنظیم هیجان را پیش بینی می کردند. از بین سه دلبستگی، فقط سبک دلبستگی ایمن با $\beta = -0.17$, $p < 0.01$ نقش معنی داری در پیش بینی سبک هویتی هنجاری داشت(ضمائمه).

نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی تبیین تنظیم هیجان دانش آموزان شهر کاشان براساس سبک های دلبستگی با میانجی گری سبک های هویت بود. براساس یافته ها شخص های برازنده مدل مورد تایید قرار گرفت.

شخص های گزارش شده در تحلیل معادلات ساختاری نشان دهنده برازش مطلوب داده ها با مدل است. پس در نتیجه داده های تجربی جمع آوری شده توسط محقق مدل نظری تدوین شده براساس ادبیات پژوهشی را تأیید کرده و نشان می دهد که مدل علی تدوین شده برای تبیین تنظیم هیجان براساس سبک های دلبستگی با میانجی گری سبک های هویت یک مدل مطلوب است. نتایج این پژوهش نشان داد سبک های دلبستگی با تنظیم هیجان رابطه مستقیم دارند و اینکه سبک دلبستگی ایمن به صورت مثبت، سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به صورت منفی با تنظیم هیجان رابطه معنی داری داشتند. در ارتباط با همسویی نتایج این پژوهش باسایر تحقیقات انجام شده می توان به تحقیقات زیردراین رابطه استناد کرد.

مطالعات رفیعی و همکاران^۱(۱۳۹۸)، سجادپور(۱۴۰۱)، فارسی جانی و همکاران(۱۴۰۱)، هاشمی و جوکار(۱۳۹۲)، فریلی و شاور^۲(۱۳۹۷)؛
Zhang et^۳ (۲۰۲۱)؛ میکولینسر و همکاران^۴ (۲۰۰۴)؛ تامپسون و والدن^۵ (۲۰۰۱)؛ دیاموند و هیکس^۶ (۲۰۰۵)؛ کیم، شاور و میکولینسر (۲۰۲۲)؛ al ۲۰۲۲، و آیزنبُرگ^۷ (۲۰۱۸) که با نتایج پژوهش همسو است.

جهت تبیین این یافته می توان گفت بر اساس نظریه دلبستگی، رابطه والد و فرزند بر توسعه راهبردهای تنظیم هیجان تأثیر می گذارد که برای سازگاری در بزرگسالی حائز اهمیت است(بالبی، ۱۹۸۲؛ دی کلین و گرینبرگ^۸، ۲۰۰۸؛ به نقل از سجادپور، ۱۳۹۸). بنابر نظر گیلیوم^۹ و همکاران (۲۰۰۲) دلبستگی کودکان به والدین پیش بینی کننده تنظیم هیجان است.

ظرفیت تنظیم هیجان بسته به سبک دلبستگی افراد باهم متفاوت است. به گونه ای که سبک دلبستگی ایمن به تنظیم هیجانی کمک می کند. در افراد با دلبستگی ایمن بالا، تنظیم هیجان ممکن است از طریق حفظ نزدیکی(مجاورت) نگه داشته شود (مانند، جستجوی آرامش از شکل دلبستگی) زیرا آنها قادرند به طور موثرتری گفتگو کرده و روابط حمایتی را حفظ کنند و گرایش دارند، در تجربه هیجانات و بیان آنها آرام تر و راحت تر عمل کنند (کاسیدی، ۱۹۹۴؛ میکولینسر و شاور، ۲۰۱۷) و بر عکس دلبستگی نایمن منجر به بروز ناتوانی در تنظیم هیجان می گردد (چک هور و جکسون، ۲۰۱۹). افرادی که سطح بالای دلبستگی اجتنابی را تجربه می کنند اعتقاد دارند، به میزان کمتری قادرند کارهایی انجام دهند تا به تنظیم هیجانات خود پردازنند. افراد با دلبستگی اجتنابی با افزایش سرکوب

¹. Fraley and Shaver

². Mikulincer, Dolev, & Shaver

³. Pallini, Chrumbolo . Morelli. Baiocco . Laghi . Eisenberg

⁴. De Klyen &. Greenberg

⁵. Gilliom

هیجانی، میل به رهایی و دور شدن از موقعیتهای هیجانی دارند (برانداو و همکاران، ۱۴۰۱، به نقل از شوشتاری و همکاران، ۲۰۲۰) و برای مقابله با موقعیتهای مرتبط با استرس، به احتمال بیشتر از استراتژی‌های غیرفعال کننده استفاده می‌کنند که شامل انکار احساسات و اطلاعات مربوط به هیجانات و نیز سرکوب ابراز هیجانی است (شاور و میکولینسرا، ۲۰۲۱؛ برینینگ و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، ممکن است افراد با سطوح بالایی دلستگی اجتنابی، از هیجانات شان آگاه باشند، اما در تلاش برای کاهش اتكاء به شکل دلستگی، آن را نادیده بگیرند.

افراد با دلستگی اضطرابی به هنگام تهدید شدن به طرد اجتماعی یا از دست دادن روابط، بسیار هیجانی می‌شوند که منجر به بروز آشفتگی در آنان می‌شود (برانداو و همکاران، ۲۰۲۰، به نقل از شوشتاری و همکاران، ۱۴۰۱). افراد با سطوح بالایی دلستگی اضطرابی در پاسخ به حوادث استرس‌زا، الگوهای بدنتظیمی هیجان نظریبیش فعالی را نشان می‌دهند افرادی که سطح بالای دلستگی اضطرابی و اجتنابی را تجربه می‌کنند اعتقاد دارند، پس از پریشانی، به میزان کمتری قادرند کارهای انجام دهنده را به تنظیم هیجانات خود بپردازند (فارسی‌جانی و همکاران، ۱۴۰۱، هاشمی و جوکار، ۱۳۹۲).

راهبردهای تنظیم هیجان ناکارآمد (مانند سرکوب هیجان، دوری گزینی) ممکن است درنتیجه در دسترس نبودن شکل دلستگی در موقع پریشانی، رشد یابد. اگر مراقب دلستگی به طور مداوم در دسترس نباشد، فرد سرمایه گذاری هیجانی اش را در این رابطه کاهش می‌دهد و به همین منوال، هر نوع رفتار، نگرش یا پاسخ هیجانی که تصور می‌شود تسهیل کننده رابطه است، تغییر یافته و کاهش می‌یابد. از آنجا که بیان هیجانات میتواند یک پاسخ مراقبتی را برانگیزد، افراد دلسته نایمن ممکن است یاد بگیرند در پاسخ به حوادث استرس‌زا هیجانات شان را به خوبی تنظیم نکنند تا بتوانند از شکل دلستگی فاصله بگیرند. بدین طریق، پیوندهای دلستگی میتوانند بر انواع راهبردهای تنظیم هیجانی که افراد از طریق استفاده در مراحل زندگی شان یاد گرفته‌اند، تأثیر بگذارند. تحقیقات گذشته ممکن است به تبیین ما کمک کنند. بنابراین، رشد راهبردهای تنظیم هیجان ناسازگار ممکن است، افراد با دلستگی نایمن بالا در خطربیشتری برای اختلالات روانی و سلامت روان ضعیف قرار بدهد (مارگانسکا و همکاران، ۲۰۱۳، به نقل از سجاد پور، ۱۳۹۸).

درخصوص رابطه سبک دلستگی با سبک هویت نتایج نشان داد، سبک دلستگی با سبک‌های هویت رابطه مستقیم دارند. نتایج بدست آمده همسو با این تحقیقات است. یافته‌های مطالعه جدبایابی (۱۴۰۱)، اسزابو و وارد^۱ (۲۰۲۰) به نقل از رفعی و همکاران، (۱۴۰۰) نشان دادند که بین سبک‌های هویت با سبک‌های دلستگی رابطه مستقیم مثبت و معناداری برقرار است. بین سبک هویت اطلاعاتی با سبک دلستگی اینمن، سبک دلستگی اجتنابی و سبک دلستگی دوسوگرا رابطه مستقیم منفی و معنادار برقرار بود، در عین حال سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم و تعهد با سبک دلستگی اینمن، سبک دلستگی اجتنابی و سبک دلستگی دوسوگرا رابطه مستقیم مثبت و معناداری برقرار بود. ریچ و زیگل^۲ (۲۰۰۳) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که رشد هویت خود در سطح بالا با امنیت دلستگی ارتباط دارد.

¹. Szabó & Ward

². Rich and Zingle

یافته‌ها نشان داده که دلستگی نایمن به‌واسطه سبک‌هویت اطلاعاتی رابطه منفی دارد (ناطقیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ گوهری داناپورونیری، ۱۴۰۱؛ رخشندۀ ابرقویی و همکاران، ۱۴۰۰؛). فرض بر این است که سبک‌های دلستگی ناکارآمد باعث بوجود آمدن سبک‌های هویت ناکارآمد در افراد می‌شود سبک‌های هویتی دریک فرایند تحولی در شخصیت‌فرمانده‌گاری شوندوتأثیر خود را بعاد گوナگون عملکرد شخصیت‌فردی گذارند (بدر، آسیتلی^۱، ۲۰۱۱؛ به‌نقل از ناطقیان و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج دیگر این پژوهش در مرور رابطه سبک‌های هویت با تنظیم هیجان بود که نشان داد، سبک‌های هویت با تنظیم هیجان رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌دار دارد که با نتیجه تحقیقات زیر همسو می‌باشد.

جانکووسکی (۲۰۱۳)، کولمن و ویلیامز (۲۰۱۳) و اسدی مجره و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خوش ارتباط سبک‌های هویت را با تنظیم هیجان گزارش کردند و اینکه سبک هویت تعهد، اطلاعاتی و هنجاری با تنظیم هیجان همبستگی مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی با تنظیم هیجان همبستگی منفی دارد. مطالعات نشان داده که سبک هویت اطلاعاتی با راهبرد سازگارانه تنظیم هیجان، رابطه علی معناداری دارد و سبک هویت سردرگم-اجتنابی به گونه معناداری اضطراب و افسردگی را پیشیگزی می‌کند و با بدتنظیمی هیجان رابطه علی معناداری دارد (سیتن و بیمانت، ۲۰۱۱؛ سیتن و بیمانت، ۲۰۰۸؛ بروزنوسکی، ۲۰۰۸؛ لیراس و بوسم، ۲۰۰۵؛ بروزنوسکی و فراری، ۱۹۹۶ و پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۳). درنهایت اینکه راهبردهای تنظیم هیجان و سبک‌های هویت در بروز آسیب یا سلامت روانی و تجربه هیجانها نقش مهمی دارند. جهت تبیین نتایج می‌توان از نظریه بروزنوسکی (۱۹۸۹) (در زمینه ارتباط بین سبک‌های هویت و هیجان، که تبیینی نظری را ارائه نموده است استفاده کرد. به عقیده وی، سبک‌های هویت را می‌توان براساس فرآیندهای اجتماعی-شناختی جذب و انطباق متمایز نمود. از دیدگاه شناختی، افراد دارای سبک اطلاعاتی، با وارسی واقعیت به تأثیر هیجان بر رفتار خود و دیگران پی‌می‌برند. مطالعه بیمانت و سیتن (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد افراد با هویت اطلاعاتی بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجان استفاده می‌کنند. این افراد در رویارویی با رویدادهای تندیگی‌زای روزمره بیشتر از مقابله مسئله مدار استفاده می‌کنند، با استرس و اضطراب بهتر مقابله می‌کنند، کمتر دچار اختلالات روانی می‌شوند و ارتباط عاطفی بهتری با دیگران برقرار می‌کنند (بوش و همکاران، ۲۰۱۲).

افراد دارای سبک هنجاری، بدون وارسی گزینه‌های موجود نسبت به هدف متعدد می‌گردند. این افراد از هیجانهای خود جهت شکل‌دهی به هویت استفاده نمی‌کنند و در مقابل به تنظیم یا کنترل دفاعی هیجانهای خود می‌پردازند. افراد با سبک هویت اجتنابی-سردرگم نیز فاقد هویتی منسجم و پایداری‌پاشند. این افراد قادر نیستند هیجانهای خود را به طور موثر مدیریت نمایند (سیتن و بیمانت، ۲۰۱۱). مطالعه (بیمانت و سیتن، ۲۰۱۱؛ بروزنوسکی و فراری، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد سبک هویتی سردرگم-اجتنابی با راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان رابطه دارد بنابراین، تنظیم هیجان فرآیندی است که در جریان شکل‌گیری هویت منسجم نقشی بسزا دارد و از طریق آن، افراد جهت دستیابی به پیامدهای مطلوب، هیجانهای خود را مدیریت می‌کنند (آلائو و همکاران، ۲۰۱۰).

درخصوص رابطه بین سبک دلستگی با تنظیم هیجان با میانجی گری سبک‌های هویت میتوان گفت، از بین سه سبک دلستگی، سبک دلستگی ایمن با میانجی گری سبک‌های هویت با تنظیم هیجان رابطه غیر مستقیم، مثبت و معنی‌داری داشت. نتایج این

^۱. Badar, Acitelli

فرضیه بانایی تحقیق محمدی و فولاد چنگ (۱۳۹۷)، سوننر و همکاران، ۲۰۰۵؛ سامولیس و همکاران، ۲۰۰۱) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که دلستگی ایمن با تقویت سبک هویت اطلاعاتی و تقویت سبک هویت هنجاری منجر به افزایش استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان می‌شود. در توجیه نقش واسطه‌ای سبک هویت اطلاعاتی در رابطه بین دلستگی ایمن و تنظیم هیجان، همانطور که بیان گردید، کیفیت والدینی بالا، پایگاه امنی برای اکتشاف افراد فراهم می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا در کشف جهان پیرامون خود اعتماد کنند و راههای متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کنند (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). در خصوص سبک دلستگی اضطرابی نیز مطالعات نشان داده که دلستگی اضطرابی به واسطه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری اثر غیرمستقیم مثبتی بر تنظیم هیجان دارد و در خصوص «سبک دلستگی اجتنابی» به نظر می‌رسد این نوع دلستگی به واسطه سبک هویت سردرگم می‌تواند اثر غیرمستقیم مثبت بر تنظیم هیجان داشته باشد.

در واقع سبک هویت سردرگم رابطه‌ای دو متغیر را واسطه‌گری می‌کند. در خصوص نقش واسطه‌ای سبک هویت سردرگم در رابطه بین سبک دلستگی اجتنابی و راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان، نتایج تحقیق سامولیس و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد، دلستگی نایمن به والدین و عدم اعتماد به آنها پیش‌بینی کننده هویت سردرگم می‌باشد. در واقع نوجوان‌هایی که از جانب والدین طرد می‌شوند و به لحاظ عاطفی با والدین فاصله دارند، دچار سردرگمی هویت می‌گردند.

نتایج این مطالعه از این جهت اهمیت دارد که تنظیم هیجان یکی از مهمترین سازه‌های روانشناسی تربیتی و عامل مهمی در تعیین سلامت عمومی، سازگاری اجتماعی، سلامت روانی و داشتن عملکرد موفق در روابط، تحصیل و شغل است (شوشتاری و همکاران، ۱۴۰۱). چنانچه عوامل مؤثر بر تنظیم شناختی هیجان و پیش‌بیندهای آن شناسایی شود، هم در برنامه‌ریزی جهت آموزش و ارتقاء سطح آگاهی جامعه و والدین و هم در محیط‌های آموزشی با سرمایه‌گذاری در این زمینه، امکان پیشگیری از عواقب عدم تنظیم هیجان و به تبع پیشگیری از معضلات و آسیبهای روانی فراهم می‌آید و مسئولین امر تعلیم و تربیت می‌توانند هم در زمینه پیشگیری و هم مداخله اقدام نمایند.

محدودیت‌های روش شناختی که این مطالعه با آن مواجه بود؛ اینکه این مطالعه یا طرح مقطعی بود از این رومانکان توانایی استنباط رابطه علی میان متغیرها کاهش می‌باشد امکان تعیین چه علت یا اثری را در مورد نتایج وجود نداشت. دوم، این مطالعه در چندین مدرسه انجام شد، بنابراین شرکت کنندگان ممکن است نماینده جمعیت کلی دانش آموزان نباشند و از آنجا که این مطالعه شامل بررسی پرسشنامه است، ممکن است پاسخ دهنده‌گان اطلاعاتی را که ممکن است آنها را در شرایط نامطلوب قراردهد، گزارش نکرده باشند. به دنبال محدودیت‌های یادشده و یافته‌های نهایی این مطالعه، پیشنهاد می‌شود در طرح‌های پژوهشی آینده، پژوهش‌های دیگری به منظور روشن شدن ارتباط بین این متغیرها در جوامع آماری دیگر انجام شود تا ارتباط متغیرهای مطالعه شده روشن تر شود.

ملاحظات اخلاقی

در فرایند انجام و اجرای پژوهش حاضر، اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده است.

تشکروقدارانی

بدینوسیله از تمامی مدیران مدارس و دانش آموزان شرکت کننده که ما را در انجام این پژوهش باری کردند، تشکروقدارانی می‌کنیم.

منابع

- اماکنی، رزیتا و مجذوبی، محمد رضا. (۱۳۹۰). پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس سبک‌های دلیستگی. *فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد* سال سوم . شماره ۵.
- آقاجانی، محمد حسن. (۱۳۸۷). هنجرایابی مقدماتی پرسشنامه سبک‌های هویت برای دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- اسدی مجراه، سامرہ؛ کناری، الناز؛ اسدی مجراه، رقیه و محمدی کیا، مریم. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های هویت و بدبختی هیجان در دانشجویان جدیدالورود. *روانشناسی معاصر*. (۱۲۰ و پیزه نامه). صص ۱۵۲-۱۴۸.
- پورمحسنی کلوری، فرشته. (۱۳۹۳). سبک‌های هویت، راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و سلامت روانی دانشجویان: مدل معادلات ساختاری. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*. دوره ۱۳۵. شماره ۲۵۵.
- داودی، فریبا؛ مهرابی زاده هنرمند، مهنازو هاشمی، سید اسماعیل. (۱۳۹۶). رابطه علی سبک‌های والدگری و سبک دلیستگی نایمن با آمادگی به اعتیاد، از طریق میانجی گری و پیزگی های شخصیتی و سبک‌های هویت در دانشجویان . علوم اجتماعی اعتیاد پژوهی . شماره ۴۲.
- رخشنده ابرقویی، مریم؛ رضایی، آذر میدخت، خیر، محمد و کوروش نیا، مریم. (۱۴۰۰). مدل یابی تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های دلیستگی، جو روانی - اجتماعی مدرسه با میانجیگری سبک‌های هویت دانش آموزان متوجه اول شهر مرودشت. *فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روانشناسی*. دوره ۱۲۵. شماره ۴۶.
- رفیعی، محسن؛ عباسی، مژگان؛ راوند، معصومه و کشمیری، علی. (۱۴۰۰). نقش تعییض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیشینی درمان‌گی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه. *رویش روان‌شناسی*، سال ۱۰. شماره ۱۱. شماره پیاپی ۶۸.
- سالاری، سوسن و فولادی، نجمه. (۱۳۹۳). سبک‌های هویتی (اطلاعاتی، اجتنابی - سردرگم، هنجرایی و تهدید) با توجه به نقش ادراک دلیستگی در دانشجویان. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- سجادپور، سید حامد. (۱۳۹۸). طراحی و اعتبار یابی مدل ساختاری رابطه سبک دلیستگی و انگاره پردازی خودکشی با نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان، سرکوب فکر، گستاخی و خلق افسرده، در دو نمونه از جوانان انگاره پرداز و اقدام کننده به خودکشی. پایان نامه دکتری تخصصی رشته روانشناسی بالینی. دانشکده علوم انسانی. گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شاهد.
- شوشتري، اکبر خاizar زهره و رمضانی، محمد آرش. (۱۴۰۱). اثربخشی زوج درمانی هیجان‌دار بر تنظیم هیجانی و سطح پلاسمایی هورمون اکسیتوسین خون زوجین. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی* سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۹۹-۱۲۷.
- گوهري داناپور، معصومه و نيری، حميده (۱۴۰۱). پیش‌بینی مسئولیت پذیری اجتماعی پرستاران بر اساس سبک‌های دلیستگی و سبک‌های هویت اضطراب کرونا. *رویش روان‌شناسی*، شماره ۳. شماره پیاپی ۷۲. خرداد ۱۴۰۱.

- فارسی جانی، نیلوفر؛ بشارت، محمدعلی و مقدم زاده، علی. (۱۴۰۱). پیشینی سازگاری اجتماعی براساس شبکهای دلستگی و راهبردهای نظمدهی شناختی هیجان. ماهنامه علوم روانشناسی. دوره ۲۱، شماره ۱۰۹.
- محمدی، حمیده و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای شبکهای پردازش هویت در رابطه بین شبکهای دلستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. مجله روانشناسی آسیا. سال ۲۲، شماره ۳، صص ۳۲۵-۳۰۸.
- محمدی، حمیده. (۱۳۹۶). نقش شبکهای دلستگی و ارزشهای فرهنگی در تنظیم شناختی هیجان با واسطه گری نیازهای اساسی روانشناسی و شبکهای پردازش هویت. پایان نامه دکترا. دانشگاه شیراز. رشته روانشناسی تربیتی ناطقیان، شهرزادو شاه نظری، مهدی. (۱۴۰۰). پیش‌بینی عزت نفس دانشجویان بر اساس شبکهای دلستگی و شبکهای هویت. نشریه علوم رفتاری (ابهر). شماره ۴۷، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- هاشمی، زهرا؛ جوکار، بهرام. (۱۳۹۲). مدل یابی علی تاب آوری هیجانی نقش دلستگی به والدین و همسالان راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم شناختی هیجانات مطالعات روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا. دوره ۹، شماره ۱.

- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., Schweizer, S. (2010). "Emotion regulation strategies across psychopathology: a meta-analytic review". *Clinical Psychology Review*. 30, 217–237.
- Armsden GC, Greenberg MT. The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *J Youth Adolesc* 1987; 16: 427– 54. 42.
- Beaumont, S. L., Seaton, C. L. (2011). "Patterns of coping associated with identity processing styles". *Identity: An International Journal of Theory and Research*. 11 (4), 348-361.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). "Identity orientation and decisional strategies". *Personality and Individual Differences*. 20: 597–599.
- Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*. 44(3): 645-65
- Betegon, E., Rodríguez, M., Jairo, d., Valle, M., Jesús Irurtia, M. (2022). Emotion Regulation in Adolescents: Evidence of the Validity and Factor Structure of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 19, 3602. <https://doi.org/10.3390/ijerph19.063602>.:2-14.
- Bosch, L. A., Segrin, C, Curran, M. A. (2012). "Identity style during the transition to adulthood: the role of family communication patterns, perceived support, and affect. Identity". *An International Journal of Theory and Research*. 12: 275-295.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic Books.
- Chang, Y. C., and Tsai, Y. T. (2022). The effect of university students' emotional intelligence, learning motivation and self-efficacy on their academic achievement online english courses. *Front. Psychol.* 13:818929. doi: 10.3389/FPSYG.2022.818929

- Diamond ,L.M., Hicks AM. (2005).Attachment style, current relationship security, and negative emotions: The mediating role of physiological regulation. *J Soc Pers Relat* 2005; 22(4): 499–518.
- Jankowski, j. (2013). Identity status and emotion regulation in adolescence and early adulthood. *Polish Psychological Bulletin*, 44(3), 288–298. [in Persian]
- Hajiyari‘ Farahnaz , Zare Bahramabadi, Mehdi(2022) Evaluating the Relationship between Maternal Attachment Styles and Children's Separation Anxiety Level: The Mediating Role of Mothers' Maternal Early Maladaptive Schemas. *IJHS :International Journal of Health Studies*. 2022;8(3):18-23.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511–524. doi:10.1037/0022-3514.52.3.511
- Kim, H., Prouty, A. M., Smith, D. B., Ko, M. J., Wetchler, J. L., Oh, J. E. (2014). Differentiation of self and its relationship with family functioning in South Koreans. *The American J Fam Therap*, 42(3), 257-265.
- Lei, .X. (2022). The impact of emotion management ability on learning engagement of college students during COVID-19. *Front. Psychol.* 13:967666. doi: 10.3389/fpsyg.2022.967666.
- Mikulincer M, Shaver P, Pereg D. (2004).Attachment theory and affect regulation. *Motiv Emot*; 27: 77-102.
- Momeni ghehi.M., Yeganegi. K .(2017). The relation between attachment styles, marital satisfaction and self-regulation of emotion in married people.A case study: Kish Island. *The International Journal of Social Sciences and Humanities Invention* 4(6): 3546-3555, 2017. DOI: 10.18535/ijsshi/v4i6.05. [in Persian]
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Soc Dev*, 16, 361–388
- Reich, W. A., & Siegel, H. I. (2003). Attachment, ego-identity development and exploratory interest in university students. *Asian Journal of Social Psychology*, 5, 125–134.
- Seaton, C. L., & Beaumont, S. L. (2011). "The link between identity style and intimacy: does emotional intelligence provide the key?". *Identity: An International Journal of Theory and Research*. 11, 311-332.
- Shabanishad ,N., Hosseini Almadani, S.A., Motevalli, S.(2019).Developing a Model of Identity Styles and Emotional Intelligence with the Mediating Role of Self-Concept. *Iranian Journal of Learning and Memory* 2019, 2 (7), 51-60 [in Persian]
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2021). Attachment,Identidy, and grief viewed from a personality-social perspective on adult attachment. In R. A. Thompson, J. A. Simpson, & L. J. Berlin (Eds.), *Attachment: The fundamental questions* (pp. 268–274). Guilford.
- Thompson F, Walden T.(2022). Dimensions of emotional intelligence: Attachment, effect regulation, alexithymia and empathy. *Disserta Abstr Internat*; 58 (4): 2109.

Yang, Q., Shi, M., Tang, D., Zhu, H., and Xiong, K. (2022). Multiple roles of grit in the relationship between interpersonal stress and psychological security of college freshmen. *Front. Psychol.* 13:824214. doi:10.3389/fpsyg.2022.824214

Zhang et al, J. Y., Ji, X. Z., Fan, Y. N., and Cui, Y. X. (2022). Emotion management for college students: effectiveness of a mindfulness-based emotion management intervention on emotional regulation and resilience of college students. *J. Nerv. Ment. Dis.* doi: 10.1097/NMD.0000000000001484 [Epub ahead of print].

ضمائمه

جدول ۱- یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین معنادار	تعداد	میانگین معنادار	میانگین معنادار
کشیدگی	۰/۱۷	۸/۶	۱/۴۳	۰	۷۳/۹	۲/۹۵	۵۹	۱۲
-	۰/۸۳	۳/۱۳	۱/۲۳	۰	۱۹/۵	۱/۲۵	۲۷	۴
ارزیابی	۱/۴۸	۱/۱۹	۱/۲۸	۰	۳۴/۶	۱/۷۱	۴۲	۷

۰/۶۵	۶	۴۶	۱/۲۲	۱/۲۷	۵۲	۱۱	۵	سبک اطلسی
-	/۵	۰/	۱۰	۳۲			.	
	.	-					.	
۱/۰۵	۳	۴۳	۱/۷۱	۱/۰۱	۴۶	۱۱	۵	سبک هنجری
-	/۲	۰/	۹	۲۹			.	
	.	-					.	
۱/۲۳	۱	۴۸	۱/۷۷	۱/۱۹	۵۰	۱۱	۵	سبک سردد رگم
-	/۹	۰/	۱۰	۲۷			.	
	.	-					.	
۰/۷۹	۳	۲۲	۱/۹۱	۱/۸۸	۲۵	۵	۵	سبک ایمن
-	/۱	۰/	۴	۱۳			.	
	.	-					.	
۱/۲۴	۹	۲۲	۱/۹۸	۱/۷۳	۳۶	۵	۵	سبک اجتنابی
	/۲	۰/	۴	۱۴			.	
	.	-					.	
۰/۴۸	۱	۲۲	۱/۱۲	۱/۸۵	۳۰	۵	۵	سبک دوسوگرا
-	/۲	۰/	۵	۱۴			.	
	.	-					.	

جدول ۲ - شاخص های برآش مدل پیش‌بینی تنظیم هیجان

شاخص های آماری

--

RMSEA[CI90%]	SR MR	G FI	C FI	N FI	$\frac{X^2}{df}$	D f	x^2
-.069/.034)	.0/.036	.93	.93	.94	47	8	179
.0/.052/.0		.	.	.	21		19

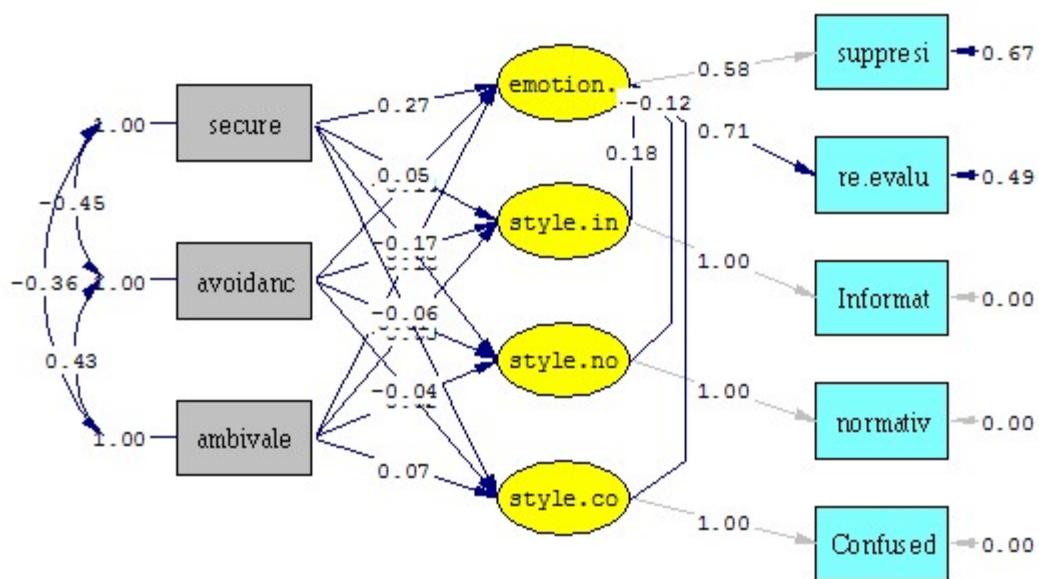
جدول ۳- برآوردهای اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای بروزرا و میانجی بر تنظیم هیجان

اثرات کل		اثرات غیر مستقیم		اثرات مستقیم		متغیرها	
T	β	T	β	T	β		
4/53***	3 . / .·	1** 4/0 / .	· 3 / ·	13** 4 / .	2 7 / ·	تنظیم هیجان ← سبک ایمن	
-2/34*	1 5 / . -	1/84 -· / . -	· 1 / · -	1/20* -2 / . -	1 4 / · -	تنظیم هیجان ← سبک اجتنابی	
2/85**	1 8 / . -	1/53 -1 / . -	· 2 / · -	1/58** -2 / . -	1 6 / · -	تنظیم هیجان ← سبک دوسوگرا	
3/19**	1 8 / . .	- - / - .	- - / - .	1/19** 3 / .	1 8 / · .	تنظیم هیجان ← سبک اطلاعاتی	

-۱/۸۵	\ . / • -	-	-	۱/۸۵ -	\ . / • -	تنظیم هیجان ← سبک هنگاری
-۲/۳۳*	\ ۲ / • -	-	-	/۳۳* -۲	\ ۲ / • -	تنظیم هیجان ← سبک سردرگم
۱/۰۵	• ۵ / • -	-	-	۱/۰۵	• ۵ / • -	سبک اطلاعاتی ← سبک اینمن
-۱/۶۰	• ۸ / • -	-	-	۱/۶۰ -	• ۸ / • -	سبک اطلاعاتی ← سبک اجتنابی
-۱/۶۵	• ۸ / • -	-	-	۱/۶۵ -	• ۸ / • -	سبک اطلاعاتی ← سبک دوسوگرا
۳/۳۱** -	\ ۷ / • -	-	-	/۳۱** -۳	\ ۷ / • -	سبک هنگاری ← سبک اینمن

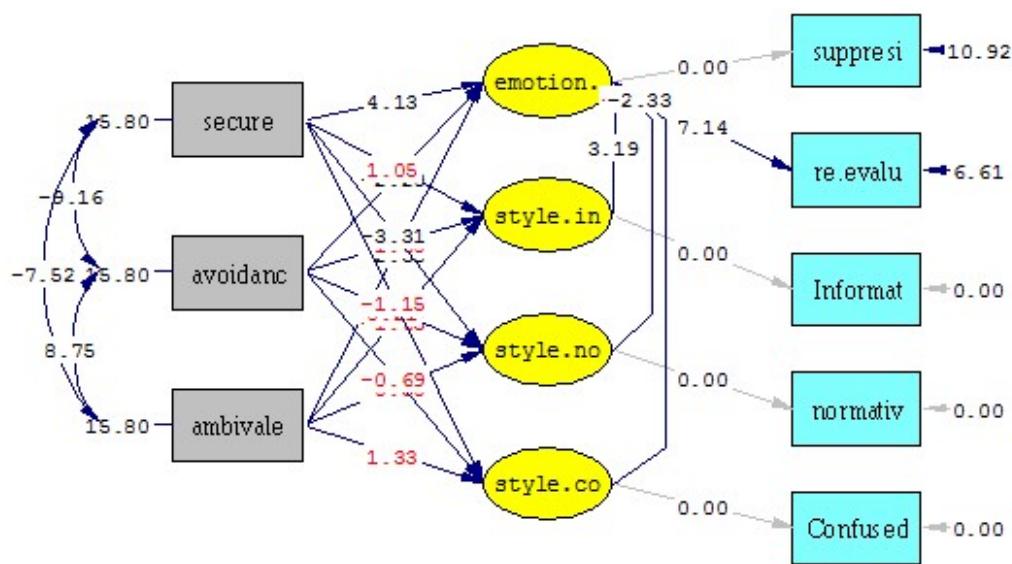
۰/۲۱	• \ / •	-	-	۰/۲۱	• \ / •	سبک هنجاری ← سبک اجتنابی
-۰/۵۰	• ۲ / • -	-	-	۰/۵۰	• ۲ / • -	سبک هنجاری ← سبک دوسوگرا
-۱/۱۵	• ۶ / • -	-	-	۱/۱۵	• ۶ / • -	سبک سردرگم ← سبک این
-۰/۶۹	• ۴ / • -	-	-	۰/۶۹	• ۴ / • -	سبک سردرگم ← سبک اجتنابی
۱/۳۳	• ۷ / •	-	-	۱/۳۳	• ۷ / •	سبک سردرگم ← سبک دوسوگرا

) (p<..Δ*)(p<..Δ**



Chi-Square=19.79, df=8, P-value=0.00000, RMSEA=0.052

شکل ۱- مدل استخراج شده از نرم افزار براساس ضرایب استاندارد



Chi-Square=19.79, df=8, P-value=0.00000, RMSEA=0.052

شکل ۲- مدل استخراج شده از نرم افزار براساس آماره تی